



ادامه واکنش‌ها به تصمیم طالبان؛

فعالان حقوق زن به جامعه جهانی: اعلامیه کافی نیست



تصمیم منع آموزش دختران و کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی در افغانستان با واکنش‌های گسترده داخلی و جهانی مواجه شده است. کشورهای آمریکا، استرالیا، آلمان، فرانسه، کانادا، نروژ و همچنان اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد این تصمیم طالبان را محکوم کرده‌اند. شماری از مقام‌های بلندپایه این کشورها و سازمان‌ها، تصمیم‌های اخیر طالبان را غیرمسئولانه، نقض آشکار حقوق بشر و وحشت‌ناک توصیف کرده‌اند.

۳



اختلاف درونی یا سرکوب نافرمانی‌های مدنی؛

چرا پایتخت چهره نظامی اختیار کرده است؟

۳

معضل بیکاری؛

دانش‌آموخته‌گان جوان از وساطت طالبان در استخدام‌ها شکایت دارند

۵

قوماندان امنیه طالبان در بدخشان در انفجار موتر بمب‌گذاری شده کشته شد

۸صبح، بدخشان: منابع در بدخشان از کشته شدن قوماندان امنیه طالبان در این ولایت در پی انفجار موتر بمب‌گذاری شده خبر می‌دهند. منابع محلی می‌گویند که یک موتر بمب‌گذاری شده صبح روز دوشنبه، ۵ جدی، عبدالحق عمر، قوماندان امنیه طالبان در بدخشان را هدف قرار داده است. به گفته منابع، این رویداد در نزدیکی قوماندانی امنیه طالبان در شهر فیض‌آباد، مرکز ولایت بدخشان، رخ داده است. در این رویداد به‌شمول قوماندان امنیه طالبان در بدخشان ۳ تن کشته و ۴ تن دیگر زخمی شده‌اند. گواهان از قربانی شدن غیرنظامیان نیز در این رویداد خبر داده‌اند. صیغث‌الله احمدی، سخنگوی جبهه مقاومت ملی در مورد حمله انفجاری در بدخشان گفته که اختلافات داخلی طالبان، علت وقوع این رویداد بوده است. پیش از این نیز مسولان محلی طالبان در بدخشان در رویدادهای مشابه کشته و یا زخمی شده‌اند.



خیرمحمد اندرابی، فرمانده جبهه مقاومت ملی در اندراب کشته شد



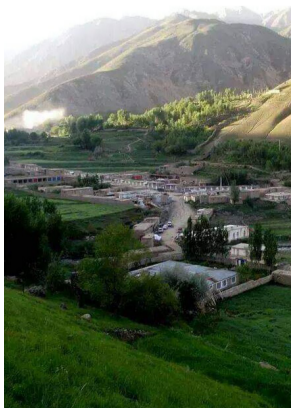
درگیری‌های شدید از شب گذشته به این سو در اندراب میان نیروهای جبهه مقاومت ملی و طالبان هنوز ادامه دارد. در همین حال، صیغث‌الله احمدی، سخنگوی جبهه مقاومت ملی، نیز با نشر پیامی در برکه فیس‌بوکش جان باختن خیرمحمد اندرابی را تایید کرده است. طالبان در مورد این درگیری‌های چیزی نگفته‌اند. این نخستین درگیری پس از وقفه یک‌ماهه با شروع سردی در اندراب‌های بغلان است که از روز گذشته به این سو شدت گرفته است.

۸صبح، بغلان: منابع معتبر محلی به روزنامه ۸صبح تأیید می‌کنند که خیرمحمد اندرابی، از فرماندهان مهم جبهه مقاومت ملی، پس از درگیری طولانی با طالبان کشته شده است. آقای اندرابی و چندین تن از افراد تحت امرش یکشنبه‌شب، ۴ جدی، پس از درگیری چندین‌ساعته با گروه طالبان در ساحه تفتاک، از مربوطات ولسوالی پل حصار اندراب، کشته شده‌اند. منابع تصریح کرده‌اند که در این درگیری‌ها دست‌کم ۳۰ تن از نیروهای جبهه مقاومت ملی کشته و زخمی شده‌اند. منابع همچنان می‌افزایند که در این درگیری به طالبان نیز تلفات سنگینی وارد شده است.

نبرد شدید در اندراب بغلان؛

گزارش‌ها حاکی از تلفات طالبان و نیروهای جبهه مقاومت ملی است

مقاومت ملی شب گذشته با افراد تحت امرش پس از درگیری طولانی با طالبان کشته شده است. گفته می‌شود که طالبان در اندراب‌ها حملات هوایی نیز انجام داده‌اند. صیغث‌الله احمدی، سخنگوی جبهه مقاومت، در برکه فیس‌بوکش ادعا کرده که چندین حمله طالبان را عقب زده و تلفات سنگینی به آن‌ها وارد کرده‌اند. طالبان تاکنون به‌گونه رسمی در این مورد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که طالبان حملات گسترده‌ای را بر مواضع جبهه مقاومت ملی در اندراب‌ها برای سرکوب این نیروها تدارک دیده‌اند.



۸صبح، بغلان: منابع محلی در بغلان از شدت درگیری‌ها میان طالبان و نیروهای جبهه مقاومت ملی در اندراب‌های این ولایت خبر می‌دهند. به گفته این منابع، طالبان از یکشنبه‌شب، ۴ جدی، تاکنون بر پاسگاه‌های نیروهای جبهه مقاومت در روستاهای تفتاک، خج و باغ‌دره اندراب‌ها حمله کرده‌اند. بربنیاد گزارش‌ها، ده‌ها تن از نیروهای دو طرف تاکنون کشته و زخمی شده‌اند. از تلفات دقیق نیروهای دو طرف تاکنون اطلاعی در دست نیست. با این حال، گزارش‌های تأیید نشده‌ای وجود دارد که خیرمحمد اندرابی، فرمانده برجسته جبهه

فرایندهای بین‌المللی حمایت از حق آموزش زنان



ایستاده‌گی برای تحصیل

۶

انگیزه مخالفت طالبان با تعلیم و تحصیل دختران



ایستاده‌گی برای تحصیل

۷



با فرمان جدید طالبان ۳ هزار کارمند زن کمیته بین‌المللی نجات در افغانستان بیکار شده‌اند



۸صبح، کابل: در پی صدور فرمان جدید طالبان برای منع کار زنان در مؤسسات، کمیته بین‌المللی نجات از بیکار شدن هزاران کارمندش در افغانستان خبر داده است. کمیته بین‌المللی نجات در گزارشی که ناوقت روز یکشنبه، ۴ جدی، نشر شده گفته است که این نهاد ۸ هزار کارمند در ۱۲ ولایت افغانستان دارد و از این میان، ۳ هزار کارمندش زنان هستند. این کمیته گفته که از ممنوعیت کار زنان از سوی

طالبان در افغانستان ناامید شده است. به گفته کمیته بین‌المللی نجات، محدودیت‌های وضع شده از سوی طالبان یک میلیارد دالر به اقتصاد شکننده افغانستان آسیب رسانده است. گفتنی است که کمیته بین‌المللی نجات در بخش‌های واکنش اضطراری، صحت، آموزش و معیشت در ۱۲ ولایت افغانستان فعالیت دارد. این نهاد فعالیتش در افغانستان را وابسته به کار زنان دانسته است.

مالکان تانک‌های تیل در پکتیکا به علت وضع مالیات بلند اعتصاب کاری کردند

۸صبح، پکتیکا: منابع محلی در ولایت پکتیکا از اعتصاب کاری مالکان تانک‌های تیل در مرکز و ولسوالی‌های این ولایت به دلیل وضع مالیات بلند از سوی طالبان، خبر داده‌اند. منابع روز دوشنبه، ۵ جدی، می‌گویند که از دو روز به این سو، مالکان این تانک‌های تیل دست به اعتصاب زده‌اند.

منابع تاکید دارند که ادامه این اعتصاب، مشکلاتی را برای باشندگان این ولایت خلق می‌کند و به گفته او همین اکنون قیمت تیل در بازارهای شهر شرنه، مرکز پکتیکا، بلند رفته است.

گفتنی است که طالبان بالای هر تانک تیل بیش از ۲۰۰ هزار افغانی مالیه وضع کرده‌اند.



یک زن در سرپل شوهر معتادش را کشت

۸صبح، سرپل: مسوولان طالبان در فرماندهی امنیه ولایت سرپل می‌گویند که یک زن در ولسوالی سانچارک این ولایت، همسرش را که معتاد به مواد مخدر بود، کشته است. مسوولان فرماندهی امنیه طالبان در سرپل روز دوشنبه، ۵ جدی، این خبر را تایید کرده‌اند. به گفته آنان، این زن ساکن روستای اوقاف ولسوالی سانچارک سرپل است که شب گذشته پس از آن‌که از سوی شوهر معتادش مورد لت‌وکوب قرار گرفته، او را کشته است. آنان افزوده‌اند که این زن بازداشت شده و در تحقیقات ابتدایی به جرم خود اعتراف کرده است.

ادامه محاکمه‌های صحرائی؛ طالبان ۱۰ مرد را در هرات شلاق زدند



۸صبح، هرات: منابع محلی در هرات می‌گویند که طالبان در ادامه محاکمه‌های صحرائی‌شان ۱۰ تن را در محضر عام در این ولایت شلاق زده‌اند.

این افراد روز دوشنبه، ۵ جدی، از سوی دادگاه طالبان در ولسوالی انجیل ولایت هرات مجازات شده‌اند.

اتهام‌های این افراد شراب‌نوشی، خریدوفروش مواد مخدر و آزارواذیت زنان عنوان شده است. در میان متهمان این بار زنی حضور نداشته است.

محاکمه‌های صحرائی طالبان با واکنش‌های زیادی در داخل و خارج از افغانستان مواجه شده است. طالبان اما بدون توجه به این واکنش‌ها به کارشان ادامه داده‌اند. هفته گذشته نیز طالبان ۱۰ تن را در ولسوالی غوریان هرات شلاق زدند.

شاهراه غور - کابل در پی برفباری به‌روی ترافیک مسدود شد

خبر می‌دهند. منابع روز دوشنبه، ۵ جدی، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که در پی برفباری شب گذشته در کوتل بکک، شاهراه غور - کابل به‌روی ترافیک بسته شده است. مسوولان محلی طالبان در ولایت غور هنوز در این مورد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که کوتل بکک از ساحات دشوارگذر شاهراه غور - کابل است.



۸صبح، غور: منابع محلی در ولایت غور از مسدود شدن شاهراه غور - کابل در پی برفباری

معاون یوناما در دیدار با سرپرست وزارت اقتصاد طالبان خواستار لغو ممنوعیت کار زنان شد



آنان در نبود کارمندان زن مشکل‌ساز می‌شود. گفتنی است که در پی ممنوعیت کار زنان از سوی طالبان، شماری از مؤسسات فعالیت‌شان را در افغانستان متوقف کرده‌اند.

۸صبح، کابل: هیأت معاونت سیاسی سازمان ملل متحد در افغانستان یا یوناما تلاش‌ها برای لغو ممنوعیت کار زنان از سوی طالبان را آغاز کرده است. حساب کاربری یوناما در توئیتر پس از چاشت روز دوشنبه، ۵ جدی، از دیدار رامز‌الاکبروف، معاون این نهاد، با سرپرست وزارت اقتصاد طالبان خبر داده است.

بربنیاد معلومات نشر شده، ال‌اکبروف در این دیدار از محمد حنیف، سرپرست وزارت اقتصاد طالبان خواسته است تا دستور ممنوعیت کار زنان در سازمان‌های محلی و بین‌المللی را لغو کند. معاون یوناما گفته است که میلیون‌ها افغان به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند و ارایه کمک‌ها به

وزیر خارجه فرانسه:

ممنوعیت کار زنان در افغانستان غیر قابل تحمل است

وزیر خارجه فرانسه این اقدام طالبان را به ضرر مردم افغانستان توصیف کرده و افزوده است: «بسیاری از زنان کار می‌کنند و سهم آن‌ها کاملاً تعیین‌کننده است.»

از سویی هم، وزارت امور خارجه امارات متحده عربی نیز در بیانیه‌ای ممنوعیت کار زنان در مؤسسات از سوی طالبان را محکوم کرده است.

در بیانیه آمده است: «در زمانی که دو-سوم جمعیت افغانستان نیاز به کمک‌های بشردوستانه دارند و شش میلیون تن در خطر قحطی به سر می‌برند، این تصمیم مانع ارایه کمک‌های بشردوستانه در کشور خواهد شد و آسیب‌پذیرترین افراد نظیر کودکان، زنان و سالمندان را متاثر خواهد کرد.»

گفتنی است که پیش از این کشورهای دیگر نیز ممنوعیت کار زنان و همچنان محرومیت دختران از آموزش و تحصیلات عالی توسط طالبان را محکوم کرده بودند.



۸صبح، کابل: وزارت امور خارجه فرانسه در بیانیه‌ای ممنوعیت کار زنان توسط طالبان در افغانستان را محکوم کرده و آن را «غیر قابل تحمل» توصیف کرده است.

کاترین کولونا، وزیر خارجه فرانسه، روز دوشنبه، ۵ جدی، در بیانیه‌ای گفته است: «این تصمیم به طور جدی مانع ارسال کمک‌های بشردوستانه می‌شود.» به گفته او، این تصمیم جدید طالبان علیه زنان یک بار دیگر تاریخ‌گرایی این گروه را نشان می‌دهد و «این بی‌رحمی علیه زنان غیر قابل تحمل است.»

از ملا ندامحمد ندیم ویدیویی در رسانه‌ها نشر شده که در آن خطاب به طالبان می‌گوید، فرقه‌ها، حوزه‌ها، قوماندانی‌ها و وزارت‌خانه‌ها پر از طالبان‌اند، تانک و تفنگ و طیاره و توپ داریم؛ با این حال، چرا وضعیتی وجود داشته باشد که وقتی در شهر می‌گردم، زنان از من باک نداشته باشند و حجاب طالبانی را رعایت نکنند؟ غروری که طالبان را از داشتن انتحاری، تفنگ و توپ و راکت فرا گرفته و در نتیجه این روزها فریاد و ناراضیتی ملت را به وزوز مگسی نمی‌گیرند، حکایت از ناتوانی دردناک حاکمان در درس‌گیری از تاریخ و سرگذشت پدران و اسلاف‌شان دارد. از کودتای ثور تا اکنون چه بسیار لشکرها و گروه‌های مغروری که تا دندان مسلح آمدند و با اتکا بر دره و سرنیزه شعار انقلاب برگشت‌ناپذیر و پیروزی ابدی سر دادند و هنوز کف دهان‌شان نخشکیده، با تالاق همراه با تانک و توپ و تشکیلات در باتلاق تاریخ افتادند. در ماه جدی ۱۳۵۸ لشکر چهلم ارتش شوروی چون سیل از شمال افغانستان سرازیر شد و تمام مناطق استراتژیک، به‌خصوص پایتخت کشور را به چنگ گرفت. ۸۰ هزار سرباز مجهز با تانک و توپ و سلاح‌های سبک و سنگین یک‌باره‌گی به سرزمین ما ریختند و پس از مدت کوتاه رقم‌شان از مرز ۱۰۰ هزار تن هم گذشت. در کنار آنان چندصد هزار سرباز، پولیس و جاسوس داخلی نیز به جان مردم افتاده بودند. ملانددیم‌های سرخ در سایه آن‌همه تفنگ و جنگ‌جو و امکانات نظامی به زیردستان‌شان فرمان می‌دادند که حقیقت ثور را داریم، تفنگ و راکت و طیاره و حزب مقتدر داریم، حمایت بی‌دریغ کشور بزرگ شوراهای نیز با ماست؛ با این حال، چرا فرامین انقلابی با تأخیر اجرا شود و نتوانیم خلق را به موقع از یوغ ارتجاع و عقب‌مانده‌گی رها کنیم؟ صد‌ها هزار تن را کشتند، میلیون‌ها تن دیگر را زخمی، بی‌خانه و فراری کردند. توقیف‌خانه‌ها، زندان‌ها، پولیگون‌ها و گورستان‌ها در سراسر کشور چون دیوهای آدم‌خوار دهان گشوده بودند و سیری‌ناپذیر قربانی می‌گرفتند. دیری نگذشت که همه آن ابزار و مجریان خشونت در چرخ زمان خرد شدند و از کار افتادند. راکت‌ها و تانک‌هایی که برای مستبدان حس شکست‌ناپذیری و حاکمیت ابدی می‌بخشید بازچه اطفال و آهن کهنه شدند. بازمانده‌گان خلق قربانی بر لاشه‌های آن هیولاهای عکس یادگاری گرفتند و پیچ و مهره آن‌ها را باز کرده ارزان‌تر از پوست روباه و پشم گوسفند به بازار فروختند.

مردم بر لاشه‌های بازمانده از یک دوره بسیار خونبار استبداد، عکس یادگاری گرفتند، اما درسی را که باید می‌آموختند، فراموش کردند. نسل تازه‌ای از دیوانه‌گان پیروز به عرصه آمدند و تفنگ‌ها، راکت‌ها، تانک‌ها و سربازان خود را سند حقانیت و پیروزی دانستند. با آن اسناد «حقانیت» بر مردم ظلم‌ها روا داشتند و وطن را به شکنجه‌گاه و کشتارگاه وطنداران بدل کردند. این چرخه خشونت و غرور استبدادی چرخید و چرخید تا به ملاهبت‌الله، سراج‌الدین حقانی و ملانددیم رسیدیم. دوباره روزی فراخواهد رسید که مردم لاشه‌های تانک و توپ اینان را در کهنه‌فروشی‌ها تول کنند. بزرگ‌ترین درس ۶ جدی و تهاجم قشون سرخ شوروی، جنگ‌های تنظیمی جهادی‌ها، امارت طالبان و تهاجم لشکرهای امریکا و ناتو این است که خشونت پیروزی ندارد.

اختلاف درونی یا سرکوب نافرمانی‌های مدنی؛

چرا پایتخت چهره نظامی اختیار کرده است؟

۸ صبح، کابل

پایتخت کشور از آغاز هفته روان چهره نظامی به خود گرفته است. حضور جنگ‌جویان طالبان با وسایط نظامی در مناطق مختلف شهر، افزایش یافته است. حضور این جنگ‌جویان در نزدیکی دانشگاه‌ها، نهادهای مهم دولتی و مناطق مشخصی نسبت به هفته قبلی بیشتر به نظر می‌رسد. شهروندان از حضور این جنگ‌جویان در جاده‌ها و اطراف شهر برداشت‌های متفاوتی دارند. شماری از آنان معتقدند که این آماده‌باش نظامی طالبان به منظور جلوگیری از نافرمانی‌های مدنی است. منابع اما می‌گویند که اختلاف‌های درون‌گروهی طالبان سبب شده که حضور جنگ‌جویان این گروه در پایتخت و شماری از بزرگ‌شهرهای کشور بیشتر شود. طالبان هرچند از گردهمایی‌های رسمی و غیررسمی در کابل و بزرگ‌شهرهای کشور جلوگیری می‌کنند، اما تاکنون به‌گونه رسمی در این باره توضیح نداده‌اند.



شهرهای قندهار و هرات نیز چهره نظامی به خود گرفته‌اند و جنگ‌جویان طالبان نسبت به هفته گذشته در گوشه و اطراف شهر بیشتر به چشم می‌خورند. افراد طالبان به‌گونه گروهی و متفاوت از روزهای گذشته با تانک‌های زرهی در چهارراهی‌ها حضور دارند.

منبع که نخواست نامش در گزارش درج شود، به روزنامه ۸ صبح گفت که در ادامه این اختلاف‌ها شماری از کارمندان امنیتی طالبان در شهر قندهار از وظایف‌شان کناره‌گیری کرده‌اند. به گفته منبع، اختلاف‌ها میان ملا یعقوب، پسر ملا محمدعمر، بنیان‌گذار گروه طالبان و هبت‌الله آخوندزاده، رهبر کنونی این گروه، تا حدی شدت گرفته که هر زمانی امکان یک تغییر در رهبری طالبان وجود دارد.

طبق اطلاعات منبع، عبدالغنی برادر، معاون اقتصادی رییس‌الوزرای طالبان، ملا محمدیعقوب مجاهد، وزیر دفاع، سراج‌الدین حقانی، وزیر داخله، امیرخان متقی، وزیر خارجه و شیرمحمد عباس استانکزی از چهره‌های برجسته رهبری طالبان‌اند که با شماری از رهبران دیگر این گروه به شمول ملا هبت‌الله آخوندزاده رهبر کنونی، ملا محمدحسن آخوند، رییس‌الوزرا، مولوی خالد حنفی، وزیر امر به معروف و نهی از منکر، ندامحمد ندیم، وزیر تحصیلات عالی و حاجی وفاء، والی قندهار مخالف شده‌اند.

این در حالی است که اختلاف‌ها میان رهبران طالبان در بیش از یک سال گذشته همواره مشهود بوده است. شیرمحمد عباس استانکزی، معین وزارت خارجه طالبان، بارها مخالفتش با بستن مکتب‌های متوسطه و لیسه دخترانه را ابراز کرده است. همچنان ملا عبدالغنی برادر، معاون اقتصادی رییس‌الوزرای این گروه، روز یک‌شنبه، ۴ جدی، پس از اعلام ممنوعیت تحصیل دختران و تعلیق کار زنان در موسسه‌های غیردولتی، گفته است که هیچ شهروند افغانستان نباید از حقوقش محروم نگه داشته شود. او جزئیات نداده است، اما این اظهارات ظاهراً مخالفت وی با تصمیم منع تحصیل دختران و تعلیق کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی در افغانستان را نشان می‌دهد.

از این پیش نیز در ماه‌های نخست تسلط طالبان بر کشور، گمانه‌زنی‌هایی وجود داشت که در پی اختلاف‌های درون‌گروهی که منجر به درگیری مسلحانه شده است، ملا عبدالغنی برادر در داخل محوطه ارگ با اصابت مرمی زخمی شده است. معاون اقتصادی رییس‌الوزرای طالبان اما حدود بیش از یک ماه پس از آن گمانه‌زنی‌ها، در پرده تلویزیون ظاهر شد و با خوانش یک متن از روی کاغذ، قضیه زخمی شدن خود را شایعه خواند.

با این‌همه، سخنگویان و مسوولان رسانه‌ای طالبان تاکنون درباره اختلاف‌های درون‌گروهی و علت نظامی شدن شماری از بزرگ‌شهرهای کشور، توضیح نداده‌اند.

دانشگاه‌های دولتی و خصوصی را ممنوع اعلام کرده‌اند. از سوی دیگر وزارت اقتصاد طالبان روز شنبه، ۳ جدی، کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی غیردولتی را تا امر ثانی به حالت تعلیق درآورده است.

این تصمیم‌های طالبان از سوی شهروندان، شماری از کشورهای همسایه و جهان و همچنان سازمان‌های بین‌المللی تقبیح شده است. شماری از دانشجویان دختر و پسر و دیگر شهروندانی که قصد داشتند به این تصمیم‌های طالبان اعتراض کنند، از سوی افراد این گروه سرکوب شده‌اند. ظاهراً یکی از علت‌های برقراری حالت نظامی در بزرگ‌شهرها، جلوگیری از همین نافرمانی‌های مدنی است.

از سوی دیگر، منابع ادعا دارند که اختلاف‌های رهبران طالبان به‌شدت افزایش یافته است و افراد وابسته به رهبران حاکم از جمله ملا هبت‌الله آخوندزاده و ملا حسن آخوند برای جلوگیری از شورش احتمالی، جنگ‌جویان خود را به حالت آماده‌باش قرار داده‌اند. یک

به همراه دارد. افزون بر این، شهرهای قندهار و هرات نیز چهره نظامی به خود گرفته‌اند و جنگ‌جویان طالبان نسبت به هفته گذشته در گوشه و اطراف شهر بیشتر به چشم می‌خورند. افراد طالبان به‌گونه گروهی و متفاوت از روزهای گذشته با تانک‌های زرهی در چهارراهی‌ها حضور دارند.

باشنده‌گان هرات به روزنامه ۸ صبح تایید می‌کنند که طالبان با مستقر کردن نیروهای خود، مانع ورود زنان به جاده‌های منتهی به مقام ولایت هرات شده‌اند. طالبان در هرات و کابل بیشتر مانع تجمع زنان و مردان می‌شوند. طالبان روز گذشته در مناطق چهارراهی سی‌متره، اسماعیل‌خان و جاده‌های منتهی به مقام ولایت هرات، مانع گشت‌وگذار زنان شدند.

حضور جنگ‌جویان طالبان در بزرگ‌شهرهای کشور در حالی بیشتر شده که طالبان به‌تازگی تحصیل دختران و کار زنان در موسسه‌های غیردولتی را منع کرده‌اند. این گروه هفته گذشته رفتن دانشجویان دختر به

ادامه واکنش‌ها به تصمیم طالبان؛

فعالان حقوق زن به جامعه جهانی: اعلامیه کافی نیست

فعالان حقوق زن می‌گویند که همه واکنش‌های کشورها و سازمان‌ها متمرکز بر «اعلامیه‌ها» و «ابر از نگرانی» شده است و هیچ‌گونه تفاوتی میان دیدگاه شهروندان عادی و دیدگاه کشورها دیده نمی‌شود. آنان روی اقدامات عملی سازمان‌ها و کشورها در پیوند به دفاع از حقوق زنان افغانستان تاکید دارند.

۸ صبح، پروان



تصمیم منع آموزش دختران و کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی در افغانستان با واکنش‌های گسترده داخلی و جهانی مواجه شده است. کشورهای آمریکا، استرالیا، آلمان، فرانسه، کانادا، ناروی و همچنان اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد این تصمیم طالبان را محکوم کرده‌اند. شماری از مقام‌های بلندپایه این کشورها و سازمان‌ها، تصمیم‌های اخیر طالبان را غیرمسئولانه، نقض آشکار حقوق بشر و وحشت‌ناک توصیف کرده‌اند. با این حال، شماری از فعالان حقوق زن با استقبال از اعلامیه‌های این کشورها و سازمان‌ها، می‌گویند که اعلامیه کافی نیست، جامعه جهانی برای رهایی زنان افغانستان از ظلم طالبان باید وارد عمل شود.

فعالان حقوق زن می‌گویند که همه واکنش‌های کشورها و سازمان‌ها متمرکز بر «اعلامیه‌ها» و «ابر از نگرانی» شده است و هیچ‌گونه تفاوتی میان دیدگاه شهروندان عادی و دیدگاه کشورها دیده نمی‌شود. آنان روی اقدامات عملی سازمان‌ها و کشورها در پیوند به دفاع از حقوق زنان افغانستان تاکید دارند. فوزیه کوفی، رهبر حزب موج تحول و یکی از فعالان حقوق زن، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «طالبان افغانستان را نه تنها از لحاظ اجتماعی و حقوق زن، بلکه از لحاظ امنیتی - اقتصادی و نیروی بشری به قرن‌ها عقب برده‌اند و متأسفانه دنیا هم در این زمینه خاموش است و اعلامیه‌هایی را که نشر می‌کنند، به درد نمی‌خورند. من فکر می‌کنم دنیا باید عمل کند.» خانم کوفی طالبان را به نقض موافقت‌نامه دوحه میان این گروه و آمریکا متهم می‌کند و می‌افزاید که

بیبانه‌ها در سطح اعلامیه‌ها و ابراز نگرانی‌ها محدود شده است. آن‌چه امروز ما از جهان می‌خواهیم، این است که به اظهار نظرهایی که هیچ فرقی با اظهار نظر شهروندان افغانستان ندارد، خاتمه ببخشند. اگر واقعا می‌خواهند با زنان و مردم افغانستان همکاری کنند، در عمل ثابت بسازند و نشان بدهند که از مردم افغانستان حمایت می‌کنند.»

فعالان حقوق زن همچنان دلایل منع تحصیل و کار زنان از سوی طالبان را هراس این گروه از زنان توانای افغانستان، انتقام‌جویی، قدرت‌نمایی و افکار بنیادگرایانه و خلاف اصول اسلامی این گروه عنوان می‌کنند و می‌افزایند که دوام این وضعیت عمر طالبان را کوتاه‌تر می‌سازد.

گفتنی است که وزارت اقتصاد طالبان روز شنبه، ۳ جدی، طی مکتوبی زنان و دختران را از حق کار در سازمان‌ها و موسسه‌های خارجی و داخلی غیردولتی محروم کرده است. در این مکتوب سرپرست وزارت

سازمان ملل متحد باید طالبان را در خصوص نقض این موافقت‌نامه مسوول پندارد. این فعال حقوق زن خاطر نشان می‌سازد: «طالبان خلاف تعهدات دوحه عمل می‌کنند و سازمان ملل باید این گروه را مسوول بگیرد. آمریکا روایتی را ایجاد کرده بود که طالبان به دو گروه تبدیل شده‌اند (گروه طرفدار و گروه مخالف حقوق زن)، کجا است حالا آن گروه طرف‌دار؟ ما می‌خواهیم که آمریکا و کسانی که آن موافقت‌نامه را امضا کرده‌اند، بیایند و در این زمینه معلومات بدهند.» فعالان حقوق زن علاوه می‌کنند که اقدامات کشورها و سازمان‌ها متمرکز بر صدور «اعلامیه‌ها» و «ابر از نگرانی‌ها» شده است و هیچ‌گونه تفاوتی میان دیدگاه شهروندان عادی و موقف کشورها به چشم نمی‌خورد. زرقا یفتلی، یکی دیگر از فعالان حقوق زن، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «در سه روز گذشته ما شاهد اعلامیه‌های مختلف از آدرس رهبران جهان، کسانی که پالیسی‌سازان جهانی هستند، بودیم، اما بیشتر این

اقتصاد طالبان هشدار داده، در صورتی که موسسه‌های داخلی و خارجی طبق دستور این وزارت عمل نکنند، جواز فعالیت آنان در افغانستان لغو خواهد شد. به دنبال صدور این دستور تازه طالبان، در سه روز گذشته چندین موسسه خارجی از توقف فعالیت‌های خود در افغانستان خبر داده‌اند. با توقف فعالیت این سازمان‌ها در افغانستان، هزاران کارمند بیکار شده‌اند. تنها کمیته بین‌المللی نجات گفته است که از هشت هزار کارمند محلی‌اش، سه هزار تن زن هستند.

پیشتر از این، طالبان دانشجویان دختر را تا امر ثانی از ادامه تحصیل منع کرده و کارمندان زن در اداره‌های دولتی را نیز خانه‌نشین کرده‌اند. با این وصف، ده‌ها استاد دانشگاه‌های دولتی و خصوصی در اعتراض به تعلیق تحصیل دختران توسط وزارت تحصیلات عالی طالبان، از وظیفه کناره‌گیری کرده‌اند.

با این‌همه، تصمیم‌های اخیر طالبان واکنش‌های جهانی را در پی داشته است. کشورهای جهان به شمول کشورهای اسلامی این اقدامات را نکوهش کرده‌اند. شماری از مقام‌های کشورهای غربی دستور منع کار زنان در افغانستان را یک تصمیم «غیرمسئولانه» خوانده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی این تصمیم طالبان را «نقض آشکار اصول بشردوستانه» توصیف کرده و از پیامدهای ناگوار آن در آینده نزدیک هشدار داده‌اند. همچنان مقام‌های کشورهای غربی، سازمان‌های بین‌المللی بشردوستانه و چهره‌های سیاسی ملی و بین‌المللی از رهبران طالبان می‌خواهند تا درباره تصمیم‌های زن‌ستیزانه خود تجدید نظر کنند.

طالبان،

میراث ایده‌آلیسم چپ‌وراست



یونس نگاه

امروز ۶ جدی است. در این روز همسایه شمالی افغانستان با بیرق سوسیالیسم و رفاقت‌کاری به کشور ما هجوم آورد. نزدیک به ۱۰۰ سال بود که قشون خارجی افغانستان را تسخیر نکرده بود. آخرین بار انگلیس‌ها بین سال‌های ۱۸۷۸ تا ۱۸۸۰ به قصد تسخیر این سرزمین لشکر کشیده بودند. در ۱۰۰ سال فاصله بین این دو تهاجم، افغانستان راه درازی پیموده بود و می‌کوشید با قافله دولت‌مملت‌های قرن بیستم خود را همراه سازد. با تهاجم شوروی افغانستان رسماً میدان رقابت گرم ابرقدرت‌ها شد و لگام تحولات بطور کامل از دست افغان‌ها خارج گردید. با آن‌که مسیر اصلی تحولات را عوامل خارجی تعیین می‌کرد، اما مردم ما نیز عاملان فعال و بازی‌گران مهم بودند. ما در جبهات متخاصم، رقابت‌ها و ایده‌آل‌های خود را پی گرفتیم.

ارتش سرخ مثل عساکر هند بریتانوی دوره کوتاهی در افغانستان حضور داشتند و عاقبت زده‌وزخمی برگشتند؛ اما عواقب آن جنگ‌ها گریبان ملت ما را رها نکرد. طالبان که امروز با ابزار جنگی روسی و امریکایی بر کشور با زور اسلحه حکم می‌رانند، محصول آن تجاوزند. در واقع، «پیروزی» طالبان تنها پیروزی مجاهدان نیست، بلکه نکبت‌های هردو جناح در این نیروی سرکوب‌گر تبلور یافته است. ایده‌آلیسم، وابسته‌گی، خشونت و تعهد سازمانی را از جبهه سرخ، و تحجر، سنت‌گرایی و ارتجاع را از اسلاف جهادی میراث گرفته‌اند. ضعف‌ها و زشتی‌های تمام جریان‌های سیاسی چهار دهه گذشته در ظرف این گروه رسوب کرده است. این هم‌زادایی به پیش از تجاوز شوروی برمی‌گردد.

در سال‌های منتهی به کودتای هفت ثور، دو جریان کلان جهادی و انقلابی شکل گرفته بود که علی‌رغم خصومت، شباهت‌های بسیار داشتند و از هم‌دیگر الگو می‌گرفتند. جریان انقلابی به چپی‌ها و کمونیست‌ها مشهور شد و جریان جهادی به اخوانی‌ها، بنیادگرایان و مجاهدین شهرت یافت. هردوی آن‌ها محصول واکنش اقشار تحصیل‌کرده، خرده‌بورژوا و مدعی

تاریخی و نهادهای اجتماعی قیچی و مناسب ایده مبهم امارت دوخته شوند. در واقع، از آن ایده‌آل‌های سوسیالیستی و بهشتی، امارتی به مردم رسیده است که زشت‌ترین کاریکاتور و مسخره‌ترین شکل ممکن تقلید، کتاب‌گرایی و ایده‌آلیسم است.

در ۲۰ سال گذشته بقایای چپ افغانستان منزوی بودند. تعدادی در جمهوری اسلامی تحلیل رفتند و گروهی به جهادی‌ها و طالبان پیوستند. آن‌هایی که باقی مانده بودند نیز از گذشته‌ها نیاموخته و شبیه طالبان مشغول تکرار اوارد کهنه خود بودند. شباهت طالبان به جریان‌های چپ سفسطه و تخیل این قلم نیست، بلکه این شباهت را خود سازمان‌های چپ نیز متوجه شده و در موضع‌گیری‌های‌شان تردید در برخورد با طالبان دیده می‌شود. در دو دهه جنگ طالبان یکی از بحث‌ها در میان افراد و سازمان‌های بازمانده از چپ انقلابی این بود که آیا طالبان گروه ضدامپریالیستی و جنبش ملی و استقلال طلب است یا خیر؟ اگرچه بیشتر افراد و گروه‌های چپ در این بحث به حمایت طالبان نمی‌ایستادند و همکاری با آن گروه را رد می‌کردند، ولی وجود چنین بحثی و طرح این سوال حکایت از شباهت‌های شکلی میان طالبان و گروه‌های چپ دارد. بازمانده‌گان گروه‌های چپ با دیدن جنگ طالبان علیه آنانی که برای چپ‌ها نیز دشمن به شمار می‌رفتند دچار تردید می‌شدند و آرزو می‌کردند که ای کاش خودشان در جایگاه طالبان می‌بودند و می‌توانستند در میان روستاییان و توده‌ها پناه گرفته با دشمن خارجی (امپریالیسم) و خصم داخلی (بورژوازی کمپرادور و متحدانش) برزمنند و جامعه ایده‌آل خود را با میله کلاشنکوف و استبداد حزبی تحمیل کنند. بدون شک بین گروه‌های انقلابی چپ و بنیادگرایان تروریست در مورد جامعه‌ای که بعد از انقلاب یا جهاد باید ایجاد گردد، تفاوت بسیار بوده است. اولی معتقد است که جامعه باید از مرحله کنونی‌اش به پیش رانده شود و در صورت امکان چند مرحله را خیز بردارد. دومی باور دارد که جامعه از گذشته خویش فاصله گرفته است، لذا باید مانع ادامه این روند «فاسد» شد و در صورت امکان جامعه را چند مرحله به عقب برگرداند.

راستی‌ها تحزب، سازمان‌دهی و شیوه‌های جنگ را از چپی‌ها میراث گرفتند و بر آن لعاب تحجر، خشونت و بربریت افزودند. پیش از ترویج سازمان‌ها و گروه‌های چپ در منطقه، جریان‌های مذهبی کار سازمانی، چریکی و تشکیلات پیچیده مخفی را بلد نبودند. اخوان، القاعده، شبکه حقانی، داعش و دیگران در واقع ابزار کارشان را از گروه‌های چپ گرفته‌اند و میراث‌داران تشکیلاتی و شکلی گروه‌های انقلابی می‌باشند.

درسی که می‌توان از این تحولات گرفت این است که مهندسی اجتماع با فرمول‌های ایده‌آلیستی ممکن نیست و اگر گروه بزرگی از انسان‌های متعهد و جهادی یا انقلابی با اتکا به پول و امکانات استخباراتی دست به چنین کاری بزنند نیز حاصلش چیزی نخواهد بود که آنان انتظار دارند، بلکه ممکن است به اشکال مضحک نتایج عکس به بار آورد. زیرا تغییر و مهندسی تاریخ به اندازه فورموله کردن ایده‌ها بر روی تخته دانشگاه، منبر مسجد یا کتابچه حوزه سیاسی آسان نیست. انسان دست از ایده‌آل‌هایش نمی‌تواند بردارد. در پیمودن فاصله میان شرایط غارنشینی قدیم تا شهرنشینی امروز، انسان از تخیل و ایده‌آل‌هایش چون نقشه راه بهره گرفته است. این نقشه اگرچه بارها به چاله رهنمون شده و قربانی‌های بسیار بر بشر تحمیل کرده است، اما رفاه و آسایش امروز، علوم و صنایع، هنر و ادبیات همه محصول ذهن خیال‌پرداز و ایده‌آل‌خواه آدم‌هایند.

افکار و ایده‌آل‌ها اما وقتی پوپنک بزنند و ویروسی شوند، به بلاهای وحشتناک بدل می‌شوند. وضعیت امروز ما نمایشگاه زنده پوپنک‌زده‌گی فکری و حاکمیت ایده‌آلیسم و ویروسی است. مهم‌ترین درس این چهل و چند سال شکست، گونه‌های مختلف خشونت و ناکامی ایده‌آلیسم سیاسی است که در پی مهندسی استبدادی جامعه می‌باشد. باید به دموکراسی فرصت بدهیم. باید به تعامل افکار و رقابت مسالمت‌آمیز ایده‌آل‌ها (سکولاریسم) گردن نهیم.

ارتش سرخ مثل عساکر هند بریتانوی دوره کوتاهی در افغانستان حضور داشتند و عاقبت زده‌وزخمی برگشتند؛ اما عواقب آن جنگ‌ها گریبان ملت ما را رها نکرد. طالبان که امروز با ابزار جنگی روسی و امریکایی بر کشور با زور اسلحه حکم می‌رانند، محصول آن تجاوزند. در واقع، «پیروزی» طالبان تنها پیروزی مجاهدان نیست، بلکه نکبت‌های هردو جناح در این نیروی سرکوب‌گر تبلور یافته است.

راست‌گرایان اخوانی و برادران‌شان نیز انرژی خود را صرف آموزش درس‌هایی می‌کردند که حسن‌البناء، سید قطب، محمد قطب و امثال‌شان در کشورهای خود گفته بودند و یا در اسنادی که طی قرون در جوامع اسلامی زیر عنوان سنت، احادیث و اقوال تلنبار شده بود، مشغول «تحقیق» و جست‌وجو بودند. هر دو جریان از مسیر تاریخ ناراضی بودند و تلاش داشتند مسیر آن را تغییر دهند؛ اما برای کمک به تغییر، به ابزار مناسب مجهز نبودند و با اتکا به اقوال می‌رزمیدند.

چپی‌ها، متأثر از جریان‌های عمده جهانی مادر، به دسته‌ها تقسیم شده و به تقلید از مراجع خود برای افغانستان موقعیت تاریخی و وضعیت سیاسی تعریف می‌کردند. در اسناد باقی‌مانده از آن دوران جدل مهمی که بین گروه‌های چپ به چشم می‌خورد، بحث بر سر این است که آیا کشور فیودالی، نیمه‌فیودالی، مستعمره، نیمه‌مستعمره یا سرمایه‌داری است. جز یگان تلاش فردی و مقاله‌های متفرق، تحقیق آموزنده‌ای از آن سال‌ها در معرفی وضعیت سیاسی و اقتصادی جامعه باقی نمانده و سازمان‌های چپ افغانستان از این جهت فاصله بسیار با الگوهای خارجی خود داشتند و تنها شکلیات را از آن‌ها وام گرفته بودند. برای تشخیص این‌که کشور در کدام مرحله تاریخی قرار دارد، به مطالعه روابط اجتماعی، طبقات و وضعیت اقتصادی روی نمی‌آوردند؛ چرا که امکانات لازم برای این کار را نداشتند، بلکه به اسناد تولیدشده در جوامع مماثل متوسل می‌شدند و در آیینة آن‌ها اسناد کشور خود را تحلیل طبقاتی می‌کردند و با توجه به آن برنامه می‌ساختند و برای مبارزات خود هدف تعیین می‌کردند. نتیجه آن، خلق حرکت‌های شکلی و بی‌ریشه می‌شد که به تدریج منزوی شده، می‌خشکیدند.

به دلیل فقر فکری و نداشتن ریشه‌های بومی، آن جریان‌ها در جدال‌های سیاسی و اتفاقات تاریخی چهار دهه پخته و ریشه‌دارتر نشدند، تحول نیافتند و به احزاب مقتدر بدل نشدند، بلکه در موج‌های خون‌بار و بی‌رحم زمان خرد شده از صحنه حذف شدند. میراث شکلی مشترک جهادی‌ها و انقلابی‌ها اما ادامه داشته و امروز در کالبد گروه طالبان تجسم یافته است. سنت ایده‌آلیستی چپ و راست اکنون به افراطی‌ترین وجه ممکن از سوی امارت طالبان نماینده‌گی می‌شود. به گونه‌ای که دیگر اینان جز کتاب‌ها و الگوهای ایده‌آل به چیزی ارزش قابل نیستند و وجود سرزمین افغانستان، مردم، پدیده‌ها و واقعیت‌های اجتماعی کشور را مواد خام برای تحقق ایده امارت می‌دانند. ایده‌ای که از نظر آنان تنها حقیقت جامعه ما می‌باشد و برای تثبیت و استحکام آن باید زنان از محیط کار و تحصیل رانده شوند، ملت ما از جهان فاصله بگیرد، دست‌ها و سرهای بسیار بریده شود و تمام هویت فرهنگی، ارزش‌های

قدرت در برابر وضعیت موجود بود. آن‌ها روال عادی روزگار، روند تدریجی و گذار مسالمت‌آمیز جامعه را به سوی رفاه، عدالت و ترقی بر نمی‌تابیدند و خواهان مهندسی جامعه و مسیر تاریخ بودند. تحصیلات این دو جماعت نقلی و ملایی بود. ضمن احترام به زحمات فردی و صداقتی که تعدادی از وطنداران ما در درون این جریان‌ها برای مبارزه با ستم و ایجاد جامعه بهتر انجام دادند، هیچ یکی از این جریان‌های انقلابی و جهادی به شناخت محیط و جامعه خود ارج نمی‌گذاشت و در عوض، مشغول جست‌وجوی راه‌حل‌های آماده در کتاب‌ها و الگوهای خارجی بود. از هیچ یکی از آن دو جریان چپ و راست اثر و میراثی به‌جا نمانده است که حکایت از شناخت آنان از چندوچون جامعه افغانستان یا تلاش جدی‌شان در این راستا باشد. چپ‌ها فرمول‌های مهندسی سیاسی و اقتصادی تدوین شده در روسیه، چین، اروپا و امریکا را از برمی‌کردند و مشغول جدل بر سر اتفاقاتی بودند که در آن کشورها و میان قطب‌های چپ رخ داده بود. براساس همان قطب‌بندی‌ها، در درون خود جریان چپ نیز جناح‌بندی صورت می‌گرفت و درگیری‌های خون‌بار اتفاق می‌افتاد.

به دلیل فقر فکری و نداشتن ریشه‌های بومی، آن جریان‌ها در جدال‌های سیاسی و اتفاقات تاریخی چهار دهه پخته و ریشه‌دارتر نشدند، تحول نیافتند و به احزاب مقتدر بدل نشدند، بلکه در موج‌های خون‌بار و بی‌رحم زمان خرد شده از صحنه حذف شدند. میراث شکلی مشترک جهادی‌ها و انقلابی‌ها اما ادامه داشته و امروز در کالبد گروه طالبان تجسم یافته است.

معضل بیکاری؛

دانش آموخته‌گان جوان از وساطت طالبان در استخدام‌ها شکایت دارند



۸ صبح، غور

که مسوولان موسسه‌ها در هنگام استخدام بست‌ها را با طالبان تقسیم می‌کنند. این منبع توضیح می‌دهد که هر موسسه در بست‌های خود ۵۰ درصد سهم را برای افراد طالبان در نظر می‌گیرند و بقیه را نظر به ضرورت و یا شناخت استخدام می‌کنند. این در حالی است که در هنگام حکومت جمهوری روند استخدام در موسسه‌های غیردولتی با شفافیت نسبی و بدون در نظر داشت سهم خاص به دولت و یا گروه دیگری، به پیش می‌رفت. طالبان با تسلط بر کشور، در کنار نهادهای دولتی، روند استخدام در موسسه‌های غیردولتی را نیز زیر اداره خود گرفته‌اند. تلاش کردیم دیدگاه شماری از موسسه‌ها را در این گزارش داشته باشیم، اما با وجود تلاش‌های مکرر مسوولان این موسسه‌ها حاضر به پاسخگویی نشدند. جوانان تحصیل کرده در حالی از دخالت و وساطت طالبان در روند استخدام موسسه‌ها شکایت دارند که میزان بیکاری در کشور اوج گرفته است. بیشتر جوانان به دلیل نبود کار در کشور، راه‌های مهاجرت را در پیش می‌گیرند. این جوانان از طالبان می‌خواهند که اصل شایسته‌سالاری را رعایت کنند و از دخالت و وساطت در استخدام موسسه‌ها خودداری ورزند. طالبان تاکنون به‌گونه واضح درباره چگونگی استخدام‌ها در موسسه‌ها ابراز نظری نکرده‌اند؛ اما از این پیش سراج‌الدین حقانی، وزیر داخله این گروه، در نشست به‌صراحت گفت از این‌که جوانان شایسته در بست‌های مناسب استخدام نمی‌شوند، ناراحت است.

بود. همه ما که در امتحان اشتراک داشتیم، از این حرف خوشحال شدیم. پس از این‌که مرحله امتحان سپری شد، ما سه تن از اشتراک‌کننده‌گان به مرحله مصاحبه رسیدیم با نمرات تقریباً مشابه و نمرات ما نیز اعلام شد که دو نفر ۶۰ گرفته و یکی دیگر ۵۷ نمره.» عبدالقدیر مدت زیادی منتظر بوده تا نتیجه نهایی این امتحان اعلام شود، اما به گفته خودش، پس از چندی فرد دیگری در این بست جا به جا شده است. این جوان غوری بیشتر توضیح می‌دهد: «با این‌که نمره من بالاتر بود و تجربه کاری بیشتری داشتیم، اما یک نفر دیگر به دلیل معرفی از جانب طالبان در همان بست استخدام شد.»

منصور (نام مستعار) جوان تحصیل کرده دیگری در بامیان است. او به روزنامه ۸ صبح توضیح می‌دهد که چندی پیش آزمون ورودی در یکی از موسسه‌های غیردولتی در بامیان را سپری کرده و معیارهای لازم برای استخدام را نیز تکمیل کرده بود؛ اما به گفته او در آخرین مرحله برایش گفته شده که «جوهرات کجا است». منصور می‌گوید که هدف این موسسه از واژه جوهر، داشتن همسر و یا همکار از «طبقه انان» است که در شرایط کاری این موسسه و در مراحل قبلی استخدام به آن اشاره نشده بود. منصور علت عدم استخدام در این موسسه را دخالت مستقیم طالبان عنوان می‌کند.

با این حال، یک منبع در ولایت غور به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که روند استخدام در موسسه‌ها طوری است

می‌کنند. فیصل با ابراز ناراضی از طالبان در غور می‌گوید: «اول زور و واسطه حق دارد، دوم حق لالایش است، سوم حق کاکا و برادرزاده‌اش است و چهارم حق قوم‌های‌شان است.» این جوان غوری که از دانشکده خبرنگاری فارغ شده و تجربه کار در اداره‌های دولتی و نهادهای غیردولتی را نیز دارد، پس از تسلط طالبان بر کشور کارش را از دست داده است. عبدالقدیر، جوان دیگری است که از دخالت طالبان در روند استخدام موسسه‌ها شکایت دارد. او می‌گوید با این‌که پس از چندین بار ثبت نام در یکی از موسسه‌های فعال در کشور توانسته تا مرحله مصاحبه به پیش برود و در حالی که واجد شرایط نیز دانسته شده، اما فرد دیگری بدون داشتن شرایط لازم، در آن بست استخدام شده است. عبدالقدیر می‌افزاید: «چندی قبل به یک موسسه سی‌وی دادم، پس از این‌که شارلیست شدم، در پروسه امتحان رییس موسسه به همه اشتراک‌کننده‌گان وعده شفافیت در امتحان را داده

تحوالات پسین در کشور میزان بیکاری را به شدت افزایش داده است؛ معضلی که جوانان تحصیل کرده را بیش از همه متأثر می‌سازد. جوانان در ولایت‌های مختلف کشور از عدم راه‌یابی در نهادهای دولتی و موسسه‌های غیردولتی شکایت دارند. آنان طالبان را به وساطت و دخالت در استخدام‌ها متهم می‌سازند و از این گروه می‌خواهند که اصل شایسته‌سالاری را رعایت کند. مسوولان موسسه‌های غیردولتی در کشور حاضر نیستند در این باره اظهار نظر کنند. رعایت نشدن اصل شایسته‌سالاری نه تنها شکایت جوانان، بلکه خشم شماری از مقام‌های بلندپایه طالبان را نیز به همراه دارد.

فیصل (نام مستعار) یکی از جوانان تحصیل کرده غور، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که استخدام‌ها در موسسه‌های فعال در غور زیر نظر نماینده‌گان طالبان صورت می‌گیرد و این گروه در موسسه‌ها تنها اقوام، نزدیکان و خویشاوندان خود را استخدام

ممنوعیت زنان از تحصیل؛

گامی دیگر به سوی طالبانی شدن افغانستان

علی محمدی

برای به رسمیت نشناختن دولت طالبان نخواهند داشت؛ چون طالبان سکوت متأثر از ترس مردم را برای توجیه ادعای رضایت‌مندی مردم از خودشان عنوان می‌کنند.

هم‌بسته‌گی، امیدی برای نجات

به‌وجود آمدن هم‌بسته‌گی میان مردم، یگانه امیدی است که برای نجات از وضعیت موجود می‌توان به آن دل بست. هم‌بسته‌گی نیاز به ارزش‌های مشترک دارد و برگشت حاکمیت طالبان ارزش‌های مشترک ما را به‌خوبی آشکار کرده است. این ارزش‌ها همان‌هایی هستند که زنان افغانستان برای حفظ‌شان در برابر طالبان ایستاده‌اند و مقاومت می‌کنند: نان، کار، آزادی، نان، کار و آزادی اولین چیزهایی بودند که طالبان از مردم افغانستان، به ویژه زنان، گرفتند. حالا محرومیت از آموزش هم به آن‌ها اضافه شده است. پس دیده می‌شود که در تفکر طالبانی، زنان باید از هر چیزی که باعث استقلال و قدرتمند شدن‌شان می‌شود، محروم شوند. چون از دید آن‌ها زنان باید تابع مردان باشد و برای تابع کردن‌شان باید آن‌ها را از هر چیزی که به رهایی‌شان منجر می‌شود، محروم کرد.

متأسفانه زنان افغانستان تا حالا به تنهایی در برابر طالبان مبارزه کرده‌اند. زنان با وجود آگاهی از خطراتی که از سوی طالبان متوجه‌شان هست، اولین کسانی بودند که در برابر طالبان اعتراض کردند. اعتراض زنان برای طالبان وحشت‌ناک است؛ چون در صورت تداوم اعتراضات و ایجاد هم‌بسته‌گی میان همه مردم، ترسی که طالبان در اذهان مردم ایجاد کرده است از بین می‌رود. زمانی که معترضان بدانند که از طرف مردم حمایت می‌شوند، دیگر از طالبان نخواهند ترسید و این امر به مرور زمان باعث تداوم و گسترش اعتراضات و در نهایت مبدل به یک کنش جمعی خواهد شد. شعارهایی که زنان در اعتراضات اخیرشان در واکنش به ممنوعیت تحصیل زنان به راه انداخته بودند نشان می‌دهد که آن‌ها به‌خوبی از روش سرکوب طالبان آگاه شده‌اند و راه غلبه بر آن را هم آموخته‌اند: نترسید، نترسید، ما همه باهم هستیم؛ همه برای یکی، یکی برای همه؛ مردم با شرافت، حمایت، این‌ها شعارهایی‌اند که در اثر تجربه مبارزاتی زنان علیه طالبان بدست آمده‌اند؛ ما نیاز به حمایت همدیگر داریم؛ اگر تو در کنار باشی، من نمی‌ترسم و ما پیروز می‌شویم. خوش‌بختانه اعتراضات دانشجویان پسر دانشگاه ننگرهار و بلخ و استعفای بعضی از استادان مرد دانشگاه‌ها در واکنش به محرومیت زنان از تحصیل، امیدی برای به میدان آمدن مردان و هم‌بسته‌گی‌شان با زنان به‌وجود آورده است.

جلوگیری از برقراری ارتباط میان آن‌ها، نهادهای امر به معروف و نهی از منکر و قطعه انتحاری دو نهادی است که به این منظور ایجاد شده‌اند. می‌توان این دو نهاد را نهادهای ایجاد ترس نامید.

طالبان در اول دهشت‌افگنی را با مداخله در امور شخصی مردم شروع کردند. آن‌ها این کار را توسط نهاد امر به معروف و نهی از منکرشان انجام می‌دهند. برخلاف تصور عمومی، هدف طالبان از مداخله در حریم خصوصی مردم، طرز پوشش و غیره، انگیزه عقیدتی نیست. درواقع با این کار آن‌ها می‌خواهند به مردم این را روشن کنند که دشمنی آن‌ها تنها با افراد حکومتی، سیاسی و گروه‌های خاصی نیست، بلکه تک‌تک افراد جامعه از نظر آن‌ها دشمن‌اند و باید اصلاح شوند. اگر طالبان به امور شخصی مردم دخالت نکنند، ترس مردم از آن‌ها از بین می‌رود و این‌گونه اتوریته تروریستی‌شان نیز مردم می‌شکند. تنها چیزی که طالبان از آن می‌ترسند این است که مردم از آن‌ها نترسند. چون ترس مهم‌ترین عامل کنترل مردم در حکومت تروریستی است. وظیفه قطعه انتحاری طالبان اما جلوگیری از ارتباط مردم برای برگزاری تجمعات بزرگ، از بین بردن عناصر معترض خودی و افراد و گروه‌هایی است که از نظر آن‌ها باید از بین بروند. تا حالا طالبان از قطعه انتحاری برای از بین بردن افراد معترض خودی و گروه‌های قومی و مذهبی استفاده کرده‌اند، اما آن را به گروه داعش نسبت داده‌اند. در صورت تشکیل تجمعات اعتراض مردمی، مطمئناً طالبان از قطعه انتحاری برای سرکوب مردم استفاده خواهند کرد.

روشن است که هدف طالبان از ایجاد ترس در اذهان مردم، جلوگیری از اعتراض و شورش مردم علیه دولت‌شان است. اگر مردم از طالبان نترسند علیه آن‌ها شورش می‌کنند و دولت‌شان سقوط می‌کند؛ چون مردم از طالبان و افکارشان متنفرند. برعلاوه، اعتراض و ناراضی‌های مردم علیه طالبان باعث می‌شود که کشورهای جهان بهانه خوبی برای به رسمیت نشناختن طالبان داشته باشند؛ چون دولت متعلق به مردم است و دولتی که مردم از آن ناراضی باشد نامشروع است. اما اگر مردم در برابر طالبان اقدامی نکنند، کشورهای جهان دلیلی



ایستاده‌گی برای تحصیل

نیازی نبود که مانع حضور زنان در اماکن عمومی شوند، چون زنان خودشان در چنین اماکنی نمی‌رفتند؛ نیازی نبود که به علت رعایت حجاب و مسایل دیگر دانشگاه‌ها را به روی زنان ببندند؛ چون اگر وضعیت پیش‌طالبانی دانشگاه‌ها خلاف میل زنان و خانواده‌ها می‌بود، آن‌ها ناراضی‌شان را ابراز می‌کردند؛ همین طور که حالا ناراضی‌شان را در برابر محرومیت از حق تحصیل‌شان ابراز می‌کنند. پس خود اقدامات طالبان نشان‌دهنده این است که از نظر آن‌ها جامعه کنونی افغانستان به‌گونه‌ای است که نباید باشد. بنابراین، نیاز به اصلاح جامعه از دید طالبان است. این یعنی که مردم و طالبان در تضاد قرار دارند؛ اما اگر مردم از طالبان راضی نیستند، چرا در برابر اقدامات طالبان سکوت کرده‌اند و کاری نمی‌کنند؟

حکومت ترس و ترور

تروریسم روشی برای اعمال خواسته‌های یک فرد یا گروه بر فرد یا گروه‌های دیگر به‌وسیله ایجاد ترس و به‌کارگیری خشونت است. یعنی عنصر مهم روش تروریستی استفاده از ترس و خشونت برای رسیدن به هدف است. تروریست‌ها دلایل خودشان را برای انتخاب رویکرد تروریستی به‌جای رویکردهای دیگر مثل مذاکره، مدارا و ... دارند. روش حکومت‌داری طالبان هم در دوره قبلی و هم فعلاً روش تروریستی است. یعنی ایجاد ترس و به‌کارگیری خشونت یگانه وسیله حکومت‌داری طالبان است. آن‌ها تا حالا برای ایجاد ترس در بین مردم از دو روش استفاده کرده‌اند: مداخله در امور شخصی مردم و

ممنوعیت زنان از تحصیل، درواقع در ادامه اقدامات قبلی طالبان و برای تکمیل طالبانی شدن مطلق افغانستان انجام می‌شود. اولین اقدام طالبان در اولین روزهای حکومت‌شان مداخله در شیوه پوشش و ظاهر مردم بود. طالبان دستور دادند که زنان باید حجاب کاملاً طالبانی داشته باشند و مردان هم باید ریش، مو و لباس‌شان مطابق اسلام و فرهنگ افغانستان باشد. در اقدام بعدی، طالبان مانع حضور زنان در اماکن عمومی مثل پارک‌ها شدند و برای حضورشان مقرراتی را وضع کردند. سپس برای تنگ‌تر کردن زمینه فعالیت زنان، مانع سفر آنان در فواصل دور شدند. مهم‌تر از همه این‌که دختران بالاتر از صنف ششم را از رفتن به مکتب محروم کردند. طالبان همه این اقدامات را در راستای تکمیل آن‌چه حکومت کاملاً اسلامی می‌خوانند، انجام می‌دهند و ادعا دارند که مردم نیز از این اقدامات راضی‌اند. اجرای حکم قصاص و منع تحصیل زنان از جمله جدیدترین اقدامات طالبان در روند طالبانی شدن کشور است.

ادعای طالبان: مردم از ما راضی‌اند، وگرنه اقدامی می‌کردند

طالبان همیشه ادعا کرده‌اند که مردم از اقدامات آن‌ها راضی هستند و سکوت مردم را گواه ادعای‌شان می‌دانند. متأسفانه مردم هم واقعا در برابر اقدامات طالبان سکوت کرده‌اند. در مواردی هم آگاهانه یا ناآگاهانه در اقدامات‌شان شریک بوده‌اند؛ مثلاً با حضورشان برای تماشای اجرای حکم قصاص به‌گونه‌ای به آن مشروعیت داده‌اند. حتا اگر حضور مردم در چنین صحنه‌هایی از روی رضایت آن‌ها از اقدامات طالبان نباشد، طالبان از چنین اقداماتی به نفع خود تبلیغ می‌کنند. اما آیا سکوت مردم نشانه رضایت آن‌ها از طالبان است؟ جواب مطلقاً نه است. مردم از طالبان رضایت ندارند. اگر مردم از طالبان رضایت می‌داشتند، با برگشت حکومت طالبانی مردم از کشور فرار نمی‌کردند. اگر مردم واقعا از طالبان و افکار طالبانی رضایت می‌داشتند، طالبان نیازی به اقداماتی که می‌کنند، نداشتند. نیاز نبود که مانع سفر زنان شوند، چون خود زنان و خانواده‌های‌شان از این کار خودداری می‌کردند.

فرایندهای بین‌المللی حمایت از حق آموزش زنان

امروز حق آموزش یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشر محسوب می‌شود که مورد تایید و حمایت همه دولت‌ها قرار دارد. در پذیرش این اصل جهانی هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد. به همین سبب بود که توجه سازمان ملل متحد از تثبیت حق آموزش فراتر رفت و بحث کیفیت و همه شمول بودن آن را در سند انکشاف پایدار مطرح کرد. سال‌های زیادی برای تثبیت حق آموزش، تمام اسناد بین‌المللی بر شناسایی این حق و مسوولیت دولت‌ها برای فراهم‌سازی این حق تاکید داشتند؛ اما حالا توجه سازمان ملل متحد به این است که حق آموزش چگونه می‌تواند برای همه، در همه‌جا و با کیفیت برابر فراهم باشد و بشر را برای رسیدن به توسعه پایدار کمک کند.

روی دست گیرند.

۲. فرایند دیگری که برای رسیده‌گی به تبعیض در امر آموزش وجود دارد، مراجعه به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نماینده ویژه در ارتباط به حق آموزش دارد که افراد به‌صورت انفرادی یا گروهی می‌توانند شکایت‌های‌شان را به این نماینده ارسال کنند. نماینده ویژه حق آموزش گزارش سالانه خود را به مجمع عمومی شورای حقوق بشر ارائه می‌کند و در صورتی که وضعیت ایجاب رسیده‌گی عاجل را بکند، مسوولیت دارد تا اقدامات عاجل را در چارچوب صلاحیت‌هایش روی دست گیرد.

۳. یونسکو نیز فرایند رسیده‌گی به شکایت‌های انفرادی در مورد حق آموزش را دارد که در صورت دریافت شکایت در این بخش، اقداماتی را برای رفع چنین تبعیضی انجام می‌دهد.

فرایندهایی که در کنوانسیون منع تبعیض، سازمان یونسکو و شورای حقوق بشر برای حمایت از حق آموزش برای همه، در نظر گرفته شده است، بیشتر تاکید بر حل مشکل تبعیض با استفاده از تفاهم با دولت‌ها دارد و هرگز پیش‌بین تبعیض نظام‌مند و گسترده که توسط یک حاکمیت انجام می‌شود، نبوده‌اند. به همین دلیل، هیچ‌گونه فرایندی برای رسیده‌گی به تبعیض نظام‌مند و گسترده در این اسناد وجود ندارد. به‌طور نمونه، اگر گروهی یا افرادی به دلیل تبعیض علیه زنان به کمیته جلوگیری از تبعیض علیه زنان شکایت کند، این کمیته ابتدا بررسی می‌کند که آیا این شکایت توسط نظام قضایی داخل کشور رسیده‌گی شده است یا خیر. در صورتی که چنین نباشد، اقدام به بررسی می‌کند. تمام این بررسی‌ها با اشتراک دولت مشروع عضو کنوانسیون صورت می‌گیرد. مهم‌ترین اقدام این کمیته هم‌ارایه توصیه و رهنمایی به دولت مشروع است که چگونه از ارتکاب مجدد تبعیض جلوگیری کنند. با توجه به این فرایند، نمی‌توان راه‌حل منصفانه‌ای برای شرایطی که افغانستان با آن مواجه است و حق بنیادین آموزش میلیون‌ها انسان توسط یک حاکمیت غیرمشروع سلب شده است، پیدا کرد.

به نظر می‌رسد تبعیض جنسیتی در امر آموزش توسط طالبان فرایندهای جدی و فراتر از فرایندهای موجود در اسناد بین‌المللی را طلب می‌کند؛ زیرا محرومیت زنان از حق آموزش در افغانستان فراتر از بحث تبعیض است. تبعیض در امر آموزش، می‌تواند ناشی از فرهنگ، نظام آموزشی نامتناسب و یا هم ساختارهای آموزشی نامتناسب باشد که دسترسی به همه سطوح آموزشی را به‌صورت برابر فراهم نمی‌سازد. در افغانستان طالبان به‌صورت منظم و گسترده با ایجاد پالیسی و صدور فرامین، حق آموزش را از میلیون‌ها دختر سلب کرده‌اند. این عمل‌کرد طالبان نوعی از «آپارتاید جنسیتی» می‌تواند باشد.

تبعیض جنسیتی زیر حاکمیت طالبان چنان گسترده و بی‌سابقه در سطح جهان است که ایجاب می‌کند تمام ساختارهای بین‌المللی که در راستای حمایت از حق آموزش فعالیت دارند، اقدامات عاجل را روی دست گیرند و حتا لازم است قطع‌نامه‌های جدید در این بخش صادر شود. وضعیتی را که طالبان در افغانستان علیه زنان در بخش آموزش و کار ایجاد کرده‌اند، مشابهت به جرایم کلان بین‌المللی دارد، همانند آپارتاید در آفریقای جنوبی و نسل‌کشی در رواندا و یوگسلاویا که سبب شد تا اقدامات جدی بین‌المللی از جمله ایجاد محاکم و صدور قطع‌نامه‌ها روی دست گرفته شود. متأسفانه باید گفت که فرایندهای موجود در سطح بین‌المللی پیرامون حق آموزش، نمی‌تواند وضعیت میلیون‌ها دختر در افغانستان را که مورد تبعیض نظام‌مند قرار گرفته‌اند، بهبود ببخشد.



ایستاده‌گی برای تحصیل

ز. سجاد

به نظر می‌رسد تبعیض جنسیتی در امر آموزش توسط طالبان فرایندهای جدی و فراتر از فرایندهای موجود در اسناد بین‌المللی را طلب می‌کند؛ زیرا محرومیت زنان از حق آموزش در افغانستان فراتر از بحث تبعیض است.

نظام‌مند در افغانستان را گرفت و مرتکبان را مورد تعقیب قضایی قرار داد؟

کنوانسیون منع تبعیض آموزش که توسط یونسکو تصویب شده است، عبارت «تبعیض آموزشی» را چنین تعریف کرده است: هرگونه تمایز قایل شدن، محروم ساختن، محدود کردن، ترجیح دادن براساس جنسیت، مذهب، نژاد، رنگ، تعلق سیاسی، اقتصادی و تولد که سبب محرومیت از حق برابر آموزش یک فرد و یا هم گروهی از افراد در هر سطح از آموزش شود، تبعیض در آموزش تلقی می‌شود. کشورهای عضو این کنوانسیون که افغانستان یکی از آن‌ها است، مکلف شده‌اند تا مقررات جدی را پیرامون جلوگیری از هر گونه تبعیض در آموزش را تصویب و تطبیق کنند.

کنوانسیون دیگری که تبعیض در آموزش زنان را منع کرده، کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان است که افغانستان عضویت این کنوانسیون را هم دارد. این کنوانسیون دولت‌های عضو را مکلف می‌سازد تا زمینه دسترسی به آموزش را در تمام سطوح برای زنان برابر با مردان فراهم سازند. طبق این کنوانسیون، دولت‌ها زمینه آموزش را باید طوری فراهم سازند که شرایط دسترسی برای مردان و زنان برابر باشد و از یک نظام آموزشی واحد و استندرد با استفاده از تمام امکانات آموزشی به شمول منابع انسانی و مواد آموزشی استفاده برابر صورت گیرد.

برای پی‌گیری تبعیض در امر آموزش در سطح بین‌المللی، سه روش مهم وجود دارد:

۱. کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان یک پروتکل اختیاری دارد که به شهروندان کشورهای عضو حق داده است تا از تبعیض جنسیتی به کمیته مرتبط به این کنوانسیون شکایت کنند. این کمیته وظیفه دارد تا این شکایت را براساس فرایند اداری که دارد، پی‌گیری کند. فرایند پی‌گیری این شکایات تا حدودی پیچیده و طولانی است که در صورت تثبیت، کشورها مسوولیت بین‌المللی کسب می‌کنند و برای رفع این تبعیضات باید اقداماتی

انسان‌ها را قادر سازد تا در سطوح مختلف جامعه نقش فعال بگیرند و دوستی و هم‌دیگرپذیری را میان آن‌ها بیشتر بسازد، فراهم سازند. این کنوانسیون آموزش‌های عالی را هم حق همه افراد می‌داند که دولت‌ها مکلف‌اند زمینه دسترسی به آن را با توجه به توانایی و انتخاب هر فرد برای ادامه تحصیل، فراهم کنند.

در کنار این دو سند بسیار مهم و عمومی در مورد حقوق بشر، اسناد بین‌المللی موضوعی نیز حق آموزش را حمایت و تایید کرده‌اند. یکی از اسناد مهم در بخش حق آموزش، کنوانسیون حقوق کودک است که در سال ۱۹۸۹ تصویب شده و افغانستان هم عضویت آن را به دست آورده است. این کنوانسیون از حق آموزش کودکان در سه سطح حمایت کرده است. سطح اول، آموزش‌های ابتدایی است که دولت‌های عضو را مکلف ساخته که این دوره آموزشی رایگان و اجباری باشد. سطح دوم آموزش دوره متوسطه است که دولت‌ها مکلف ساخته شده تا دسترسی به این دوره را فراهم سازند و از روش‌های مختلف برای تشویق استفاده کنند تا کودکان بتوانند شامل این دوره شوند و بودجه مالی مورد ضرورت را در بخش آموزش‌ها متوسطه فراهم سازند. سطح سوم آموزش دوره عالی است که بازم دولت‌ها مکلف‌اند تمام تدابیر را جهت فراهم‌سازی و دسترسی به رشته‌های مورد علاقه افراد فراهم سازند.

در این اسناد مشخص است که دسترسی به حق آموزش بدون توجه به جنسیت انسان‌ها، حق اساسی آن‌ها شناخته شده است. دولت‌ها مکلف‌اند تا زمینه این حق اساسی را برای همه، در همه سطوح و به‌صورت برابر فراهم سازند. با توجه به اهمیت حق آموزش در اسناد بین‌المللی، سوالی که در مورد محرومیت حق آموزش زنان در افغانستان مطرح می‌شود، این است که آیا جلوگیری از تبعیض گسترده و نظام‌مند در بخش آموزش توسط طالبان، می‌تواند با اسناد بین‌المللی موجود ممکن باشد؟ آیا امکان دارد تا با اسناد موجود، جلو این تبعیض

آموزش در واقع دروازه شناخت و دست‌یافتن به آرزوهای انسانی را فراهم می‌سازد و انسان‌ها را قادر می‌سازد تا زنده‌گی سالم، مرفه و پرآسایش داشته باشند.

امروز حق آموزش یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشر محسوب می‌شود که مورد تایید و حمایت همه دولت‌ها قرار دارد. در پذیرش این اصل جهانی هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد. به همین سبب بود که توجه سازمان ملل متحد از تثبیت حق آموزش فراتر رفت و بحث کیفیت و همه شمول بودن آن را در سند انکشاف پایدار مطرح کرد. سال‌های زیادی برای تثبیت حق آموزش، تمام اسناد بین‌المللی بر شناسایی این حق و مسوولیت دولت‌ها برای فراهم‌سازی این حق تاکید داشتند؛ اما حالا توجه سازمان ملل متحد به این است که حق آموزش چگونه می‌تواند برای همه، در همه‌جا و با کیفیت برابر فراهم باشد و بشر را برای رسیدن به توسعه پایدار کمک کند. در کنار موضوع کیفیت آموزش، محو کامل تبعیض جنسیتی در بخش آموزش تا سال ۲۰۳۰ یکی از اهداف مهم سند انکشاف پایدار سازمان ملل متحد است.

در حالی که کشورها مسوولیت دارند تا سال ۲۰۳۰ دستاوردهای‌شان پیرامون سند انکشاف پایدار در بخش آموزش را ارائه کنند، طالبان که حاکمان فعلی افغانستان‌اند، با صدور فرامین استثنایی، میلیون‌ها دختر را از حق آموزش در سطوح مختلف محروم ساخته و کاملاً در مسیر خلاف استراتژی‌ها و برنامه‌های جهانی در بخش آموزش عمل کرده‌اند. این عمل‌کرد طالبان که محکومیت جهانی را به همراه داشته است، چه آثار حقوقی و جرمی می‌تواند در سطح بین‌المللی داشته باشد؟ آیا اساساً می‌توان ناقضان حق آموزش زنان را در چارچوب قوانین و اسناد بین‌المللی مورد پی‌گرد و مجازات قرار داد؟ برای پاسخ دادن به این سوال‌ها، باید بدانیم که حق آموزش چیست و کدام اسناد بین‌المللی و چگونه این حق را تثبیت کرده‌اند.

قبل از این که سند انکشاف پایدار به تصویب برسد و از کشورها بخواهد تا دسترسی به آموزش باکیفیت را همه‌شمول سازند، اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ که از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشرند، حق آموزش برای همه انسان‌ها را تایید و حمایت کرده و دولت‌ها را مکلف ساخته‌اند تا زمینه دسترسی این حق را فراهم سازند. طبق این اسناد، آموزش باید طوری باشد که شهروندان بتوانند با استفاده از آن در تمام سطوح جامعه مشارکت کنند، از حق توسعه برخوردار باشند و زنده‌گی سالم داشته باشند. این اسناد دو بخش مهم دارد؛ بخش اول به رسمیت‌شناسی حق بنیادین آموزش برای همه افراد و بخش دوم مسوولیت دولت‌ها جهت فراهم‌آوری و به دسترس قرار دادن آموزش برای شهروندان است. مهم‌ترین سند بین‌المللی که حق آموزش را به‌عنوان حق بنیادین بشر تایید و حمایت کرده، اعلامیه جهانی حقوق بشر است. این اعلامیه که در دهم دسامبر ۱۹۴۸ تصویب شده، آموزش را حق همه انسان‌ها می‌داند و تاکید دارد که باید آموزش‌های ابتدای اجباری باشد و به‌صورت رایگان برای همه افراد بدون در نظر داشت جنسیت فراهم شود. همچنان این اعلامیه در بخش آموزش‌های متوسطه، عالی و تخصصی بیان می‌دارد که این آموزش‌ها باید برای همه افراد قابل دسترس باشد و دولت‌ها مکلف به فراهم کردن زمینه این آموزش‌ها بایند.

بعد از اعلامیه جهانی حقوق بشر، دومین سند مهم پیرامون تایید حق آموزش، کنوانسیون حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی مصوب ۱۹۶۶ است. در این کنوانسیون تمام دولت‌های عضو به شمول افغانستان که عضویت این کنوانسیون را دارد، مکلف شده‌اند تا آموزش‌های ابتدایی را به‌صورت رایگان برای همه شهروندان فراهم سازند. این کنوانسیون از دولت‌ها می‌خواهد تا زمینه آموزشی که بتواند

داعش خراسان مسوولیت حمله بر فرمانده امنیه طالبان در بدخشان را برعهده گرفت

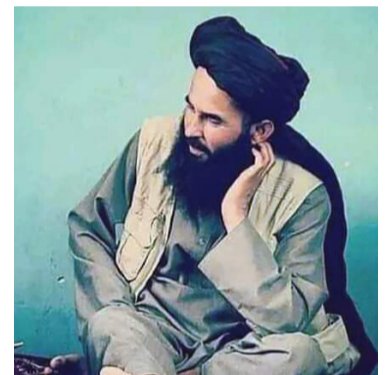
۸ صبح، کابل: گروه داعش با نشر اعلامیه‌ای، مسوولیت انفجار بر مولوی عبدالحق عمر، فرمانده امنیه طالبان در ولایت بدخشان را برعهده گرفته است.

خبرگزاری اعماق مربوط گروه داعش روز دوشنبه، ۵ جدی، این مطلب را گزارش داده است.

گفتنی است که یک موتر بمب‌گذاری شده صبح روز دوشنبه، ۵ جدی، عبدالحق عمر را هدف قرار داد.

به گفته منابع، این رویداد در نزدیکی فرماندهی امنیه طالبان در شهر فیض‌آباد، مرکز ولایت بدخشان، رخ داد.

در این رویداد به شمول فرمانده امنیه طالبان در بدخشان، سه تن کشته و چهار تن دیگر زخمی شده‌اند. گواهان از قربانی شدن غیرنظامیان نیز در این رویداد خبر داده‌اند.



منع کار زنان در مؤسسات؛ آسترالیا تصمیم طالبان را وحشتناک خواند

۸ صبح، کابل: در ادامه واکنش‌ها به ممنوعیت کار زنان در مؤسسات داخلی و خارجی از سوی طالبان، وزیر امور خارجه آسترالیا این تصمیم طالبان را وحشتناک توصیف کرده است.

پنی ونگ، وزیر امور خارجه آسترالیا، روز دوشنبه، ۵ جدی، در بیانیه‌ای این تصمیم طالبان را نکوهش کرده است.

در بیانیه آمده است: «آسترالیا تصمیم وحشتناک طالبان برای منع حضور زنان در سازمان‌های غیردولتی در افغانستان را محکوم می‌کند.»

بربنیاد بیانیه، این تصمیم طالبان به‌طور جدی بر توانایی افغانستان برای مقابله با یک بحران بزرگ انسانی اثر بد می‌گذارد.

وزیر امور خارجه آسترالیا گفته است: «ما از سازمان ملل که مذاکرات را با طالبان برای لغو این تصمیم رهبری می‌کند، حمایت می‌کنیم.»

طالبان روز شنبه، ۳ جدی، پنج روز پس از منع تحصیل دختران، دستور ممنوعیت کار زنان در مؤسسات داخلی و خارجی را صادر کردند. این تصمیم طالبان واکنش‌های گسترده‌ای در پی داشته است.



انگیزه مخالفت طالبان با تعلیم و تحصیل دختران



ایستاده‌گی برای تحصیل

ش. ۱

فعالیت دانشگاه‌ها مشروط به تفکیک صنف‌های درسی پسرانه و دخترانه و پوشیدن حجاب توسط دانشجویان دختر گفته شد. دانشگاه‌ها با در نظر داشت شرط‌های وزارت تحصیلات عالی گروه طالبان، صنف‌های درسی و حتا اوقات درسی دختر و پسر را جدا کردند.

این بیانات وزیر تحصیلات عالی گروه طالبان توجیهی برای بستن درب دانشگاه‌ها به روی دختران و در ضمن اهانت و توهین بزرگی به قشر دانشجو و تمامی زنان این کشور است که همه را متهم به بی‌راهه بودن و فحاشی می‌کند.

وزیر تحصیلات عالی گروه طالبان قبلاً نیز بیانات و حرف‌هایی در قبال جوانان و دانشجویان داشته است که مضامین و مفردات درسی دانشگاه‌ها را غیرشرعی و غیردینی خطاب کرده بود. او دانشگاه‌ها را محلی برای روسپی‌گری و فحاشی و مکانی غیراسلامی و در مغایرت با ارشادات دینی و اسلامی خوانده بود. آن‌چه قابل مکث و تاهنوز گنگ و لاجواب برای مردم افغانستان و قشر جوان است، این است که هیچ‌گاه مسوولان گروه طالبان وضاحت نداده‌اند که مقصد این گروه از مضامین سچه اسلامی کدام‌ها است؟ تعریف گروه طالبان از حجاب اسلامی چیست؟ طالبان چرا با دانش و آگاهی ضدیت دارند؟ درس، تحصیل و کار خانم‌ها چه مشکل دینی دارد؟ ده‌ها سوال دیگری که هیچ‌یک از مقام‌های طالبان پاسخی برای آن ندارند و نمی‌توانند قناعت قشر تحصیل کرده و جوان افغانستان را فراهم بکنند.

به باور نگارنده طالبان نمی‌توانند دلایل و موارد مستدلی بیاورند که ممانعت شرعی و دینی در مورد تحصیل و کار زنان را بیان کند. علما و دانشمندان از کشورهای مختلف اسلامی عمل‌کرد طالبان را نکوهش کرده و در مورد تعلیم و تحصیل زنان بارها واکنش نشان داده‌اند؛ اما هیچ‌گاهی طالبان از خر جهالت خود پایین نیامده و تمکین نکرده‌اند. آن‌چه مبرهن است، این‌که طالبان در طول این یک سال و چهار ماه از حاکمیت دوباره‌شان در افغانستان همیشه تعریف غلط از اسلام و دین دارند و حتا آیات و احادیث مبارک را تحریف می‌کنند و آن‌چه به میل خودشان باشد، بیان می‌دارند. اسلام و دین برای طالبان ابزاری بیش نیست. از دین به‌عنوان یک حربه و فشار برای حاکمیت قومی و قبیله‌ای خود استفاده می‌کنند.

این‌که طالبان چرا به زنان اجازه تحصیل و کار نمی‌دهند، نیز دلیل شرعی ندارد، بلکه انگیزه و مخالفت طالبان با تعلیم و تحصیل دختران مشکل فرهنگی و قبیله‌ای است. در فرهنگ قبیله، زن به‌عنوان کالا و جنس بوده و قابل معامله است. در آن فرهنگ، زن برای ارضای شهوت مردانه استفاده می‌شود و بس. زن اگر تحصیل کرد و حق خودش را شناخت، مردانگی جنس نر قبیله زیر سوال می‌رود و دیگر در قریه و منطقه خود به قول خودشان آبرو و غیرت ندارد. گروه طالبان با پوشش دین، فرهنگ بدوی و قبیله را بالای مردم تحمیل می‌کند، ورنه تعلیم و تحصیل زنان بارها توسط بزرگ‌ترین دانشمندان جهان اسلام وضاحت داده شده است، ضمن این‌که مشکل دینی و شرعی ندارد، بلکه الزامیت و فرضیت نیز دارد.

به قول شاعر: «از خدا می‌گویند اما بت‌پرستی می‌کنند/کرده امیال قبیله، دین ابراهیم را/نیم از چهل است و نیم دیگر از دیو پلید/شرح بخشیدم برادر وحشت تقسیم را/سر به سوی کعبه و دل‌ها به سوی دیوبند/خاک لعنت می‌فرستد این چنین تعظیم را»

برای بیرون‌رفت از این وضعیت، نه گفتن به فرهنگ قبیله است که ایستاده‌گی در مقابل جهل و نادانی طالبانیسم از هر راه ممکن می‌باشد. منتظر دنیا و اعلامیه کشورهای بیرونی نیز نباید بود. دنیا نظاره‌گر مطلق و در ضمن حمایت‌کننده طالبان است. می‌باید خود ما سکان‌دار رقم زدن این برگه تاریخ باشیم و برای زودن جهالت و نادانی توام با ظلم و وحشت طالبانی، سکوت را بشکنیم و از انفعال برآییم.

این شب سیاه را پایانی است، فردای روشن آمدنی است!

تعریفی از این‌که حجاب اسلامی از منظر گروه طالبان چیست، ارایه نشده است.

گروه طالبان با آن‌که هیچ‌گاه تعریف واضح و مشخص در مورد حجاب دانشجویان دختر و زن نتوانسته‌اند مطرح کنند، بارها به بهانه‌های مختلف مانع ورود دختران به دانشگاه‌ها شده و با ابزار دین و همین حجاب دختران را در محضر عام توهین و تحقیر کرده و حتا شلاق زده‌اند. سرانجام در یک اقدام فوری و فرستادن مکاتیب به دانشگاه‌های دولتی و خصوصی، دروازه دانشگاه‌ها را به روی دانشجویان دختر بسته‌اند. این حرکت طالبان موجی از واکنش‌ها و انتقادات را در پی داشته است. تعدادی از اساتید دانشگاه‌ها در واکنش به این امر، استعفا داده و تا دوباره باز شدن دانشگاه‌ها به روی دانشجویان دختر درس و تدریس را تحریم کرده‌اند. در ادامه گروه طالبان تمامی مراکز آموزشی را به روی دختران بسته‌اند و حتا مدارس دینی که دختران در آن‌ها آموزش دینی فرا می‌گرفتند را مسدود کرده‌اند. به تعقیب آن از ورود کارمندان زن و دانش‌آموخته‌گان دختر به دانشگاه‌ها و معلمان زن به مکاتب ممانعت کرده‌اند.

وزیر تحصیلات عالی گروه طالبان نه‌تنها اکتفا به بسته کردن دانشگاه‌ها نکرده، بلکه در بیانیه‌ای در شبکه ملی که زیر حاکمیت طالبان فعالیت می‌کند، دلیل مسدود کردن دانشگاه‌ها به روی دختران را در چهار مورد که در حقیقت توهین و اهانت بزرگی به تمامی زنان و دختران این کشور است، بیان کرد:

۱. حضور دختران در خوابگاه و رفت‌وآمد آن‌ها بدون محرم؛
۲. عدم رعایت حجاب از سوی دانشجویان دختر؛
۳. اختلاط میان زنان و مردان در دانشگاه‌ها؛
۴. حضور زنان در دانشکده‌هایی مثل مهندسی و زراعت که «به عزت و وقار آن‌ها» نیست.

این‌که طالبان چرا به زنان اجازه تحصیل و کار نمی‌دهند، نیز دلیل شرعی ندارد، بلکه انگیزه و مخالفت طالبان با تعلیم و تحصیل دختران مشکل فرهنگی و قبیله‌ای است. در فرهنگ قبیله، زن به‌عنوان کالا و جنس بوده و قابل معامله است. در آن فرهنگ، زن برای ارضای شهوت مردانه استفاده می‌شود.

سال پار (۱۴۰۰) سال بدبختی، سیاه و تاریک در تاریخ معاصر کشور به حساب می‌رود. در این سال نظام فروپاشید، امنیت نسبی که وجود داشت برهم خورد، اقتصاد و تجارت فرو ریخت، یک لقمه نان مردم گرفته شد، بیکاری و فقر به اوج خود رسید، هزاران خانواده در بدترین شرایط به کشورهای همسایه آواره و بیچاره شدند و جوانان برای پیدا کردن یک لقمه نان برای خانواده خود دست به کارهای شاقه و انجام اموری زدند که چند قرص نان برای شب‌شان پیدا شود.

طرف دیگر با سقوط نظام که مکاتب، مراکز آموزشی، دانشگاه‌های دولتی و خصوصی بسته شدند، دو ماه بعد از آن دوباره آغاز به فعالیت کردند. با وجود همه مشکلات و بدبختی، شکنجه و ظلم گروه حاکم، بازهم امیدی برای بقا وجود داشت؛ اما طالبان در یک تصمیم فوری دروازه‌های مکاتب بالاتر از صف ششم را بستند. این اقدام واکنش داخلی و خارجی را در قبال خود داشت؛ ولی طالبان تا امروز هیچ‌گاهی تمکین نکرده‌اند. بارها برای گشودن دروازه‌های مکاتب بالاتر از صف ششم از طرف مقام‌های طالبان وعده‌هایی داده شد، اما هیچ‌گاهی جنبه عملی و تطبیقی نداشت.

فعالیت دانشگاه‌ها مشروط به تفکیک صنف‌های درسی پسرانه و دخترانه و پوشیدن حجاب توسط دانشجویان دختر گفته شد. دانشگاه‌ها با در نظر داشت شرط‌های وزارت تحصیلات عالی گروه طالبان، صنف‌های درسی و حتا اوقات درسی دختر و پسر را جدا کردند. دانشجویان دختر ملبس با چادرهای سیاه، چین‌های سیاه و ماسک به صنف‌های درسی حاضر می‌شدند. من به‌عنوان یک آموزگار/استاد بارها شاهد بوده‌ام که طالبان وقت و ناوقت در اوقات درسی دختران مسلح وارد دانشگاه شده و دانشجویان دختر را تحقیر و توهین کرده‌اند که حجاب شرعی و اسلامی رعایت نشده است.

در دانشگاهی که من تدریس می‌کنم، از جمله اساتید سه نفرشان مولوی و افراد متخصص حوزه دینی و اسلامی‌اند، اما هیچ‌گاهی تعریف گروه طالبان از حجاب اسلامی و شرعی را نتوانسته‌ایم بدانیم. بارها با نماینده‌های وزارت تحصیلات عالی گروه طالبان و نماینده‌های وزارت امر به معروف و نهی از منکر این گروه بحث کرده‌ایم که منظورشان از حجاب اسلامی و شرعی چیست. حجاب و پوشش مورد نظر آن‌ها چیست که دانشجویان همان‌گونه خود را آماده بسازند. ولی هیچ‌گاهی جواب قانع‌کننده و مشخص ارایه نکرده‌اند؛ مدام فقط حجاب اسلامی می‌گویند و بس. هیچ‌گاهی



صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسوول: محمد محق
سر دبیر: حبیب بهش
مسوول افغانستان: شاحسین رسولی
تحلیل‌گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

Sanjar.sohail@8am.media
Mohammad.moheq@8am.media
Hasib.bahesh@8am.media

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر
خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

Publisher:
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media
Editor-in-Chief:
Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media
Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

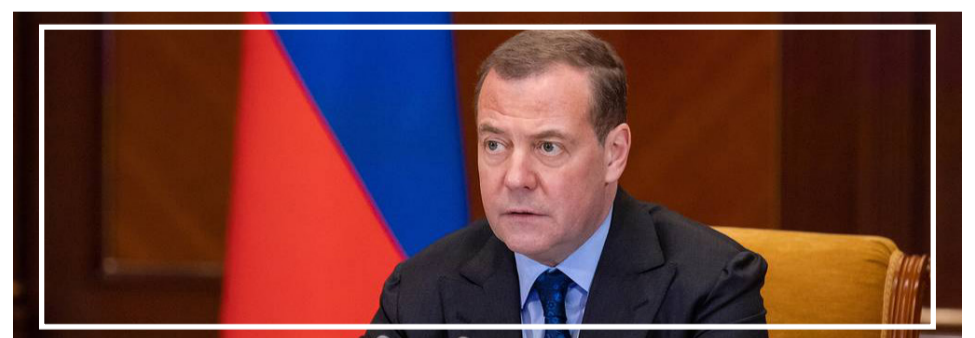
دیمیتری کولبا، وزیر امور خارجه اوکراین، اظهار داشته است که تا اواخر ماه فبروری «اجلاس صلح» را دایر خواهد کرد. به گزارش آسوشیتدپرس، وزیر خارجه اوکراین روز دوشنبه، ۲۶ دسامبر، گفته است که کی‌یف قصد دارد تا پایان ماه فبروری «اجلاس صلح» را با میانجی‌گری احتمالی سرمنشی سازمان ملل متحد برگزار کند. دیمیتری کولبا افزوده است که این اجلاس، ترجیحاً در مقر سازمان ملل برگزار خواهد شد. کولبا همچنین خاطر نشان کرده است که دیپلماسی نقش مهمی در پایان دادن به درگیری دارد. وی افزوده است: «هر جنگی در نتیجه اقدامات انجام شده در میدان نبرد و میز مذاکره به پایان می‌رسد.»

دست کم ۲۵ تن در غرب نیویارک در اثر توفان جان‌شان را از دست دادند



مقامها در امریکا اعلام کرده‌اند که توفان و یخ‌زده‌گی عمیق در غرب نیویارک که تعطیلات آخر هفته کریسمس را فلج کرد، دست کم ۲۵ کشته برجای گذاشته است. مارک پولونکارز، از مقام‌های محلی نیویارک، روز دوشنبه، ۲۶ دسامبر، به خبرنگاران گفته است که آمار تلفات ناشی از توفان در غرب این ایالت دست کم به ۲۵ تن رسیده است. به گفته او، این افراد در برف گیر افتاده‌اند یا در موتورهی‌شان و یا هم در اثر حوادث قلبی جان خود را از دست داده‌اند. پولونکارز گفته است که مرگ‌ومیرهای بیشتری گزارش شده بود، اما بازرس پزشکی محل در تلاش بود تا مشخص کند که آیا آن‌ها مستقیماً به آب و هوا مربوط می‌شوند یا خیر. پولونکارز افزوده است: «هنوز احتمالاً تلفات بیشتری وجود دارد که بعداً امروز اعلام خواهد شد.»

مدودوف: توانایی هسته‌ای مانع جنگ غرب علیه روسیه شده است



دیمیتری مدودوف، معاون شورای امنیت ملی روسیه، می‌گوید که زرادخانه هسته‌ای و ضوابط استفاده از آن‌ها توسط روسیه مانع از آغاز جنگ غرب علیه این کشور شده است. مدودوف در مقاله‌ای که روز یکشنبه، ۲۵ دسامبر، در روزنامه روسیسکایا گازتا منتشر شده، درباره وقوع «جنگ جهانی سوم و فاجعه هسته‌ای» هشدار داده است. مدودوف در این مقاله تأکید کرده که اگر روسیه تضمین‌های امنیتی مورد نظرش را دریافت نکند، «دنیا به آستانه جنگ جهانی سوم و فاجعه هسته‌ای کشیده می‌شود.» معاون شورای امنیت ملی روسیه این سوال را مطرح کرده است: «آیا غرب آماده است به دست کی‌یف، یک جنگ تمام عیار از جمله جنگ هسته‌ای علیه ما به راه بیندازد؟» او افزوده است: «تنها چیزی که امروز دشمنان ما را متوقف می‌کند این است که می‌دانند روسیه در مورد بازدارنده‌گی هسته‌ای از اصول سیاست دولتی تبعیت می‌کند و اگر یک تهدید واقعی ایجاد شود روسیه براساس آن‌ها عمل می‌کند.» به گفته او، دنیای غرب از یک سو اشتیاق سوزان برای تحقیر و توهین و متلاشی کردن و نابودی هر چه بیشتر روسیه دارد و از سوی دیگر از «آخرالزمان هسته‌ای» پرهیز می‌کند. مدودوف همچنان گفته که اقدام نظامی روسیه تا برکناری «رژیم نفرت‌انگیز و تقریباً فاشیستی کی‌یف» و غیرنظامی شدن کامل اوکراین ادامه پیدا خواهد کرد. مدودوف پیشتر در مقام ریاست جمهوری و نخست‌وزیری روسیه فعالیت کرده و اکنون معاون شورای امنیت ملی روسیه است. پیش از این ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه نیز هشدار داده است که اگر تهدیدی علیه تمامیت ارضی این کشور ایجاد شود، سیاست تسلیحات هسته‌ای روسیه ایجاب می‌کند که از این سلاح‌ها استفاده شود. به گفته کارشناسان، روسیه با حدود شش هزار کلاهک، بزرگ‌ترین زرادخانه هسته‌ای دنیا را در اختیار دارد.

هرانا:

بیش از ۵۰۰ تن در سال جاری میلادی در ایران اعدام شده‌اند



مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران (هرانا) اعلام کرده است که حکومت ایران در سال جاری میلادی ۵۶۵ تن شامل ۱۱ زن و پنج کودک را اعدام کرده است. ایرنا روز دوشنبه، ۲۶ دسامبر، در گزارش سالانه‌اش در مورد نقض حقوق بشر در ایران گفته که اجرای حکم اعدام ۸۸ درصد و صدور این حکم ۸ درصد نسبت به سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است. برنیاد این گزارش، بیش از ۱۸۵ درصد از اعدام‌های سال ۲۰۲۲ در استان سیستان و بلوچستان بوده و پس از آن، استان البرز با بیش از ۱۶ درصد در ردیف دوم این آمار قرار گرفته است. همچنین بیشترین موارد اعدام در دو زندان زاهدان و رجایی‌شهر کرج انجام شده است. این در حالی است که ماه گذشته حکومت ایران دو جوان ۲۳ ساله را که در جریان اعتراضات اخیر بازداشت شده بود، اعدام کرد.

جنگ جویان بوکوحرام در نایجریا ۱۷ چوپان را کشتند

بوکوحرام ۱۷ چوپان را در جریان یک درگیری کشته و مواشی آنان را برده‌اند. خبرگزاری فرانسه روز دوشنبه، ۲۶ دسامبر، گزارش داده که اعضای بوکوحرام در نزدیکی قریه ایرامینی، در ایالت بورنو بر چوپان‌هایی حمله کردند که مصروف حفاظت از مواشی‌شان بودند. بابه کورا کالو، سر گروه ملیشه‌های دفاع خودی در این منطقه، گفته که چوپان‌ها در آغاز مقاومت کردند، اما شمار حمله‌کننده‌گان بیشتر بوده و تسلیحات بهتری در اختیار داشته‌اند. او افزوده که تندروان بوکوحرام از یک جنگل نزدیک به نام سامبیسرا بر این ساحه حمله کردند که پیشتر داعش در غرب افریقا و اردوی نایجریا آنان را از این جنگل بیرون رانده بودند. گروه تندرو اسلام‌گرای بوکوحرام به‌گونه روزافزون غیرنظامیان، به ویژه دهقانان و چوپانان را به جاسوسی برای اردوی نایجریا متهم کرده و آنان را هدف قرار می‌دهند.



مقامها در نایجریا گفته‌اند که جنگ جویان گروه تندرو

چهار کشور از احتمال حمله تروریستی در اسلام‌آباد به شهروندان‌شان هشدار دادند

باید احتیاط را رعایت کنند. پیشتر مقام‌های امنیتی پاکستان اعلام کرده بودند که تدابیر امنیتی در اسلام‌آباد را به بلندترین سطح ممکن ارتقا داده‌اند.

در ادامه هشدارها از احتمال حمله تروریستی در پاکستان، عربستان سعودی از شهروندان‌شان خواسته که از سفر غیرضروری به این کشور خودداری کنند. عربستان در حالی روز دوشنبه، ۲۶ دسامبر، این هشدار را داده است که پیش از این امریکا، استرالیا و بریتانیا نیز به شهروندان‌شان از احتمال حمله تروریستی در پاکستان هشدار داده بودند. این کشورها در پیامی از شهروندان‌شان خواسته‌اند تا بدون نیاز فوری از محل سکونت‌شان در پاکستان بیرون نروند و به این کشور سفر نکنند. در اعلامیه سفارت عربستان سعودی در پاکستان از تمام شهروندان این کشور خواسته شده تا از سفر غیرضروری به پاکستان پرهیز کنند و بدون نیاز از محل سکونت‌شان بیرون نروند. سفارت عربستان در پاکستان اعلام کرده که هرچند تدابیر امنیتی در اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان، به بلندترین سطح ارتقا داده شده، اما شهروندان این کشور

